

مناسبت های ماه جمادی الثانی :

سوم جمادی الثانی: ۱- شهادت حضرت زهرا(س) به روایت ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر ﷺ به روایتی هم در بیستم این ماه بوده است ۲- به درک واصل شدن هارون الرشید قاتل امام هفتم در سال ۱۹۳ هـ. ق

سیزدهم جمادی الثانی: وفات حضرت امّ البنین همسر علی ﷺ و مادر حضرت عباس در سال ۶۴ هـ **پانزدهم جمادی الثانی:** ۱- ولادت امام سجّاد ﷺ به روایتی ۲- به درک واصل شدن ولید بن عبدالملک قاتل امام سجّاد در سال ۹۶ هـ **نوزدهم جمادی الثانی:** ازدواج عبدا... و آمنه پدر و مادر پیامبر اکرم ﷺ **بیستم جمادی الثانی:** ولادت حضرت زهرا (س) در سال پنجم بعثت به روایت مشهور به روایتی هم در ۱۰ این ماه بوده است **بیست و یکم جمادی الثانی:** وفات امّ کلثوم خواهر امام حسین چهار ماه بعد از برگشتن از شام به مدینه **بیست و دوم جمادی الثانی:** مرگ ابوبکر در سال ۱۳ هـ. ق به روایتی نیز در ۲۷ این ماه است **بیست و ششم جمادی الثانی:** شهادت امام هادی ﷺ در سال ۲۵۴ هـ. ق به روایتی **بیست و هفتم جمادی الثانی:** شهادت سلطان علی بن محمد فرزند امام باقر در مشهد اردهال کاشان در سال ۱۱۶ هـ. ق **بیست و هشتم جمادی الثانی:** سپرده شدن پیامبر ﷺ به حلیمه سعیدیه (دایه پیامبر) **سی ام جمادی الثانی:** شهادت فرزند مالک اشتر فرمانده دلیر علی ﷺ در سال ۷۱ هـ.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جرعه های معرفت

شماره ۸ - جمادی الثانی سال ۱۴۳۵

این ویژه نامه شامل مناسبت های زیر و چند مطلب دیگر است:

- ☆ شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها
- ☆ وفات حضرت ام البنین و ام کلثوم سلام الله علیها
- ☆ ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها
- ☆ ولادت امام سجّاد علیه السلام

در ادامه مباحث ماه های قبل در این شماره پنجمین، ششمین و هفتمین توبیخ حاج شیخ عباس قمی به مداحان و منبریان محترم ذکر میشود.

۵ - در ذکر مصائب زیاده روی نکنید: سزاوار است (بوژه در غیرایام عاشورا) حالتی روحی مردم رامراعات نماید به اندازه ای ذکر مصیبت نماید که دلها رمیده نشود و گفتارها سست نگردد. علی ﷺ میفرماید: **إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفِرْحَانَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا:** خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می کنند، با خوشحالی ما خوشحال می شوند و در اندوه و غم ما، محزون می گردند. (غررالحکم، ج ۱، ص ۲۳۵)

۶ - هر مصیبتی را بازگو نکنید: مثلا مصیبت های بسیار فجیع و دلخراش را بر زبان نیاورید. محدث فاضل، مورخ متبحر، میرزا هادی خراسانی نجفی، ایدالله، برایم نقل کرد که در عالم خواب دیدم: گویا در یکی از حجره های صحن امیرالمومنین ﷺ هستم و همه امامان معصوم ﷺ یا بیشتر آنان، در آن مجلس نشسته اند و مردی از اهل منبر برای آنان روضه می خواند، تا اینکه گفتارش به اینجا رسید که: شمر به سکنه گفت: ای دختر خارجی! دیدم حضرت امیرالمومنین ﷺ از این سخن او ناراحت شد و به سختی روی درهم کشید و رنگ چهره آن حضرت تغییر کرد. چون چنین دیدم به آن مرد روضه خوان اشاره کردم و گفتم: بس کن! حال امیرالمومنین ﷺ را نمی بینی.

امیرالمومنین ﷺ فرمود: آری سخن هم که دیروز خودت گفتی کمتر از

که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید؛ همه باید مراقب باشیم؛ ما عمامه ای ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه دین و تقوا بیشتر از دیگران؛ شما هم همین طور؛ شماهایی که در عرصه دین و معرفت و امور الهی دارید کار می کنید؛ خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکي زبان، پاکي دامان، پاکي دل و پاکي دست باشید؛ خدای متعال به شما کمک کند. یک مداح آستان فاطمی سلام الله علیها وقتی که در یک چنین جایگاهی قرار گرفت، یک انسان برجسته است یعنی همین جوری که بین ماها دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده ایم، کسانی که در راه مدح ائمه علیهم السلام و اظهار ارادت به این بزرگواران و توجه دادن دلها به این بزرگواران هستند، اینها پیش خدای متعال عزیز و محبوبند.

ایشان برای دستیابی به رشد اخلاقی میفرمایند: امروز ما محتاج نصیحتیم برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلیات خوب، برای اعتلای روحیه همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت. اساس و جوهر کار، عبودیت است من و شما هم باید از همین جاده برویم البته این قله ها خیلی بالاست اگر چشم ما بتواند این قله ها را ببیند خیلی باید خدا را شکرگزار باشیم، چه برسد که به آن جاها برسیم؛ لیکن باید برویم؛ راه این است این دامنه ها را باید به قدر قدرت و توانمان طی کنیم؛ که اگر این طور شد به قدر ظرفیتمان بهره خواهیم برد. برادران و خواهران عزیز! من و شما باید دنبال عبودیت خدا باشیم؛ توصیه ما این است تلاوت قرآن، انس با قرآن، انس با حدیث، آشنایی با معارف اهل بیت از طریق حدیث، و بالاتر از همه، توجه به خدای متعال، حفظ و تقویت رشته ارتباط قلبی با ذات اقدس احدیت، با دعا، با

بصیرت مداحی؛ در توصیه های مراجع و بزرگان دین

بی شک مداحان گرانقدر باید برای مستمعینشان یک الگو و اسوه حسنه باشند و برای دست یابی به این جایگاه باید دارای ویژگی ها و صفاتی باشند تا بتوانند در این جایگاه به خوبی نقش آفرینی کنند؛ به عنوان مثال مداح باید عاشق خود ساخته ای باشد که بیش از صوت و شعر زیبایش با خصلت های اخلاقی نیکش محفل را تحت تاثیر قرار داده، و برای جوانان پر شور هیبتی طرحی نو در اندازد. مداح خود باید اخلاقمدار باشد تا مجلس او مورد توجه قرار گیرد و دل ها را به سوی خود بکشاند. و طبیعی و مسلم است؛ مداحی که وارسته نباشد قادر نخواهد بود بر دل ها اثر بگذارد.. باید توجه داشت اصولاً یک مداح در جامعه، زیر ذره بین قضاوت های همگانی قرار دارد. به همین دلیل او باید بداند که مسوولیتی بس سنگین را پذیرفته است و باید مراقب باشد تا آسیبی به این جایگاه وارد نکند از همین رو مقام معظم رهبری میفرمایند: مداحی، معرفت افزایی است، مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه های عواطف در دلهاست؛ با استفاده از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا، البته یک اصل مسلمی وجود دارد! و آن این است که مردم از صدای شما خوششان می آید، از شعر شما لذت می برند از اجرای شما؛ چه در مدحتان، چه در مصیبتتان دلپاشان تکان می خورد و اشک می ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می کنند اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدبیر، از لحاظ عفت، نمود تحسین آوری داشتید، همه آنچه را که عرض کردیم به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد اما اگر خدای نکرده به عکس شد؛ مردم نشانه تزلزل اخلاقی، نشانه عقب ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی هایی

۷- از تند خوئی بپرهیزید و میانه رو باشید: با مردم به نرمی و مدارا رفتار کنید که نرمی در همه کارها اصلی است اساسی و بزرگ مخصوصاً برای شمائی که پرچم دار دین هستید. در پایان وصیت خضر به حضرت موسی علیه السلام آمده است: هیچ کس را بر گناهی سرزنش مکن. دوست ترین کارها نزد خدای تعالی سه چیز است: میانه روی به هنگام توانگری، گذشت در توانایی و نرمی بر کفیر با بندگان خدا.

بدانید در روایت است که: هر کس در دنیا به دیگری نرمی کند، خداوند در آخرت با او نرمی و مدارا کند. (کشف المحجّه ، ۱۰۹۰)

در این زمینه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به علی رضی الله عنه میفرماید: يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ إِنَّ الْمُنْبَتَّ يَعْنِي الْمَفْرَطَ لَا ظَهْرًا أَبْقَى . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند ای علی این دین استوار و محکم می باشد با نرمی و آرامش وارد شوید، و نفس خود را از روی کراهت و بی میلی به عبادت و اداری نکن که تو را دشمن خواهد گرفت. (بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۲۱۴)

لذا توصیه بزرگان این است که دین متین و محکم است، در او با نرمی داخل شوید. عبادات خدا را بر نفستان ناگوار مکنید چرا که شتابنده در سفر خواهد ماند، نه راه به جایی خواهد برد و نه مرکبی برای او خواهد ماند. این معنا را سعدی شیرازی چنین بیان کرده است:

به چشم خویش دیدم در بیابان که آهسته سبق بُرد از شتابان
سمند باد پا از تک فرو ماند شتربان همچنان آهسته می راند

مناجات

غلامرضا سازگار
اگر میخواستم ردت کنم دعوت نمی کردم
گشودم در که بر گردی ببینی لطف بسیارم
تو مهمان عزیزی بر من و من میزبان تو
چگونه میهمان نومید بر گردد ز دربارم
تو آن عبدی که در گرداب جرم و معصیت غرقی
من آن ربم که باشد دم به دم لطف و کرم کارم
بجز نومیدی از عفو؛ ببخشم هر گناهی را
امید آور امید آور، که من از یأس بیزارم
تو دائم غافل و من آنی از تو نیستم غافل
تو خواب و من ز لطف و مرحمت پیوسته بیدارم
به بازار محبت اشک باشد بهترین کالا
که هر یک قطره را با یک یم رحمت خریدارم
اگر فردا بپرسند از تو ای میثم چه آوردی
بگو دستم تهی؛ اما محب آل اطهارم
علی اکبر لطیفیان
پهن شد سفره احسان، همه را بخشیدی
باز با لطف فراوان همه را بخشیدی
ابر وقتی که بیارد همه جا می بارد
رحمت ریخت و یکسان همه را بخشیدی
یک نفر توبه کند با همه خو میگیری
یک نفر گشت پشیمان همه را بخشیدی
این گنهکاری امروز مرا نیز ببخش
تو که ایام قدیم، آن همه را بخشیدی
داشت کام...

مادر تویی که قدر شما بی نهایت است هر جمله تو شامل صدها روایت است
در هر کجا که نام شما ذکر میشود تفسیر پایداری و صبر و ولایت است
جبریل با هزار ملک ریزه خوار توست سوگند خورده هر شب اینجاضیافت است
هر کس مقام نوکریت را فروخته جان حسین و جان حسن بی لیاقت است
تاریخ ثبت کرده که این جان نثاری ات بهر علی نمونه اصل ولایت است
سلمان ز خاک خانه تو رزق میگرفت این است روز و شب همه کارش ارادت است
شاگرد برترین تو والله زینب است تندیس عفت است خداوند عصمت است
از گرد چادرت همه عالم درست شد
صدها هزار بیرق و پرچم درست شد
تو آمدی که در شب دلها قمر شوی در سینه شکسته دوران گهر شوی
تو آمدی که قامت دین را بیا کنی بر شاخه های نخل ولا برگ و بر شوی
تو آمدی که سوره کوثر بیاوری تو آمدی برای علی بال و پر شوی
تو آمدی که مادری ات را نشان دهی تو آمدی که مادر کل بشر شوی
معنای اصل ام اییها فقط تویی تو آمدی که باعث فخر پدر شوی
تو آمدی که در دل دریای شعله ها مثل کتاب سوخته ای شعله ور شوی
تو آمدی که برب سادات روز و شب شعر بلند مادرم و میخ در شوی
تو آمدی که باطن شهری عیان شود تو آمدی که شاهد مرگ پسر شوی

مهدی نظری

زهرا بهانه ای ست که عالم بناشود
او آفریده گشت که یک چندمدتی
او از خدا رسید به پیغمبر خدا
او آفریده شد که در این روزهای سخت
او مادر تمامی دل‌های حیدریست
هر کس مگر که مادر معصوم میشود؟
زهرا اگر نبود چگونه به عالمی؟
ای خوش بحال آنکه در آن لحظه حساب
مادر سلام روز ظهورت مبارک است

ما را کدای خانه لطف حساب کن

ما را برای نوکریت انتخاب کن

خورشید سبز نیمه شب انتظار، تو
شیرینی همیشه فصل بهار، تو
ابری ترین هوای توسجاده های شب
هر روز تا به شب نفس روزه دار، تو
ای رحمت تو شامل حال تمام خلق
روی سرم دوباره ز رحمت بیار، تو
ما هر چه هست از تو و لطف گرفته ایم
تا روز حشر پیش خدا اعتبار، تو
ما با علی امام تو هم رأی می شویم
هر دم برای شبر خدا ذوالفقار، تو
آن روز که تمامی مردم پیاده اند
بر روی ناقه های بهشتی سوار، تو
آنجا برای اینکه شفاعت شویم ما
حتما دودست ساقی خود را بیار، تو

محشر به نام پاک تو محشور میشویم

بی اذن تو ز درب جنان دور میشویم

کاظم بهمنی

از تو یک عمر شنیدیم و ندیدیم تو را
روزی ما فقرا شربت وصل تو نبود
شاید ایام کهن سالی ما جلوه کنی
چه قدر چله نشستیم و عزادار شدیم
سعی کردیم شبی خواب ببینیم تو را
مدتی در پی تو رند و نظر باز شدیم
فکر کردیم که مشکل سر دل بستگی است
لا اقل کاش دم خیمه تو جان بدهیم

سائل

ای یگانه یادگار فاطمه
ای یگانه زائر قبر بتول
چشم زهرا سوی تو، دلخوش به تو
جان فدای قلب سوزانت که شد
ای یگانه منجی عالم بیا
مرهم زخم دل مادر توئی
شیعه را امید و روح دیگری
زخم دل هرگز نیابد التیام
عمر زهرا شد خزان از ظلم و کین
شد دلت خون از جفای ظالمان
مخزن سر خدا شد سینه ات
کعبه مشتاق است، در بر گیردت
کعبه هم باشد سیه پوش از غمی
انتقام صورت نیلی بیا
(سائل) دل مرده را از لطف خود

به وصالت نرسیدیم و ندیدیم تورا
زهر هجر تو چشیدیم و ندیدیم تورا
در جوانی که دویدیم و ندیدیم تورا
چه قدر شمع خریدیم و ندیدیم تورا
سحر از خواب پریدیم و ندیدیم تورا
همه را غیر تو دیدیم و ندیدیم تورا
از همه جز تو پریدیم و ندیدیم تورا
تا بگوییم: رسیدیم و ندیدیم تورا

عشق حیدر، ای نگار فاطمه
شمع سوزان مزار فاطمه
ای قرار بی قرار فاطمه
دل غمین و غمگسار فاطمه
روح عالم، افتخار فاطمه
التیام قلب زار فاطمه
دیگر آی، ای ذوالفقار فاطمه
پس بیا، ای داغدار فاطمه
لیک باشی تو بهار فاطمه
دل چه گویم لاله زار فاطمه
ای تو تنهاراز دار فاطمه
منتظر بر شهسوار فاطمه
کعبه هم شد سوگوار فاطمه
شاد گردان، دوستدار فاطمه
ده نشان دار القرار فاطمه

محسن عرب خالقی

یک تکه ابر سوی بیابان بیاورید
فحطی عشق آمده باران بیاورید
بر روح پر تلاطم انسان عصر جهل
آرامشی به وسعت طوفان بیاورید
یک چشمه از بهشت خدارا از آسمان
تا خانه پیمبر دوران بیاورید
الطاف بی نهایت پروردگار را
در قالب سه آیه قرآن بیاورید
یک سبب سرخ به پیمبر دهید و بس
حوریه ای به کسوت انسان بیاورید

هر سبب سرخ سبب پیمبر نمیشود

هر سوره ای که سوره کوثر نمیشود

زیبا نزول کرده و زیبا تر از همه
این که نشسته اینهمه بالاتر از همه
خواهیده است همزه لالایی نسیم
دریا به روی دامن دریا تر از همه
از باغ و باغبان گلش دل ربوده است
این غنچه ای که گشته شکوفا تر از همه
او ماه خانواده خورشید مکه است
بیخود که نیست آمده زهرا تر از همه
با این همه لطافتش انصاف را بگو
انسیه هست این زن حورا تر از همه

ما را به مدح مادر آئینه ها چه کار؟

جایی که مدح فاطمه را کرده کردگار

روشن به نور آمدنش آسمان شده است
این زن که قبل خلقت خود امتحان شده است
عطر بهشت آمده همراه مقدمش
دنیای پیریا نفس او جوان شده است
هان ای زنان زنده به گور زمان جهل
هنگام رستخیز حقوق زنان شده است
وقت نماز شرعی اگر چه نیامده
بر خیزای بلال زمان اذان شده است
آخر میان خانه آئینه های شهر
آئینه خدای نما میهمان شده است

زهرا نبود زهره دگر نه فلک نداشت

رضا رسول زاده

وقتی که نیستی تو بهارم بهار نیست
وقتی که نیستی تو به دلها قرار نیست
این روزهای تلخ که بی تو به شب رسند
آهسته مردن است دگر انتظار نیست
من عصرهای جمعه فقط بغض می کنم
باران اشک های من از اختیار نیست
تسلیم هجر توست دل شرحه شرحه ام
تیغ فراق هست و مسیر فرار نیست
معلوم شد از اینکه به یاد تو نیستم
این ناله ها ز دوری تو جز شعار نیست
وقتی پی هر آنچه بجز یار می روم
فروصت برای عاشقی با نگار نیست
دنیا چو قبله دل گم کرده راه شد
آن دل به سوی خیمه تو رهسپار نیست
یا ایها العزیز به ما هم تصدقی
چیزی میان کاسه این بد بیار نیست
اصلا تمام سال مرا فاطمیه کن
بی نام مادر تو مرا اعتبار نیست
ما را به نام نوکر زهرا شناختند
خیری جز این طریق در این روزگار نیست

دلدار زهرا راحت جانم تو هستی
تنها دلیل اینکه می خوانم تو هستی
آنروزهایی که کسی دور و برم نیست
آقا خدا را شکر، می دانم تو هستی
هر هیبتی رفتم به خود گفتم که لابد
شاید میان روضه مهمانم تو هستی
هر بار بغض گریه هایم می شکافد
در قطره های سرخ بارانم تو هستی
با حال خوش یکبار قرآن باز کردم
دبدم همه آیات قرآنم تو هستی

م تو هستی

م تو هستی

م تو هستی

محسن عرب خالقی

خبری میرسد از راه خبر نزدیک است
آب و آینه بیارید سحر نزدیک است
طبق آیات و روایات رسیده ای قوم
جمعه آمدن او به نظر نزدیک است
عاقبت فصل زمستان به سر آید روزی
باز هم گل دهد این باغ ثمر نزدیک است
قطره چون رود شود راه به جایی ببرد
به دعای فرج جمع، اثر نزدیک است
با ظهورش حرم فاطمه را می سازیم
بار بر بند برادر که سفر نزدیک است
راه دور دل ما تا به در خیمه او
از در خانه زهرا چقدر نزدیک است
آه؛ گفتم که در خانه و یادم آمد
غربت مادر و اندوه پدر نزدیک است
گر چه از آتش در سوخته جانم اما
بیشتر روضه کوچه به جگر نزدیک است
باز کابوس، سراغ پسری آمده است
باز می لرزد و انگار که شر نزدیک است
مادرت را ببر از رهگذر نامردان
کوچه بند آمده از کینه خطر نزدیک است
تا که افتاد زمین زلزله در عرش افتاد
هاتفی گفت: قیامت به نظر نزدیک است
دو قدم رفته نرفته نفسش بند آمد
پسرش گفت بیا، خانه دگر نزدیک است
داغ مادر به جگر می رسد اما انگار
اثر داغ برادر به کمر نزدیک است

این خانواده را برکت میدهد خدا
ما را غم از تلاطم دریای کفر نیست
تا کشتی نجات ولایت شناور است
ما کودکان گمشده صبح محشریم
هر بانویی که بانوی محشر نمیشود
هر کس برای شیعه که مادر نمیشود
تو چشمه زلال حیاتی که گفته اند
بالا تر از تمام صفاتی که گفته اند
بعد از پدر به روح بلند تو میرسد
بانو سلام حق ، صلواتی که گفته اند
جز با کلید مهر شما وا نمیشود
در روز حشر باب نجاتی که گفته اند
وصف تو با کلام زمینی کجا رواست
شان کنیز نوست رواتی که گفته اند
شیرین تر از شور نم اشکهایتان
از شهد شاخه های نباتی که گفته اند
بانویا و یک شب جمعه ببر مرا
همراه خود کنار فراتی که گفته اند
بیش هزار سال بود گریه میکنی
بر داغ کشته عبراتی که گفته اند
ای مادر شهید دعا کن برای من
یک شب بمریم از غم ارباب بی کفن
علیرضا قزوه
نه مثل ساره ای و مریم! نه مثل آسیه و حوا
فقط شبیه خود هستی! فقط شبیه خودت زهرا
اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه شب قدری
شبیه آیه تطهیری شبیه سوره «اعطینا»
شناسنامه تو صبح است، پدر تبسم و مادر نور
سلام ما به تو ای باران، سلام ما به تو ای دریا
کبود شعله ور آبی ، سپیده طلعت مهتابی
به خون نشستن تو امروز، به گل نشستن تو فردا
بگیر آب و وضویی کن، ز چشمه سار فدک امشب
نماز عشق بخوان فردا، به سمت قبله عاشورا

مرحوم خسرو

همیشه قدرت و مکنّت به جا نخواهد ماند
مدام در کف زرگر طلا نخواهد ماند
غم زمانه مخور فکّر توشه ره کن
که جاودان احدی جز خدا نخواهد ماند
به چند روزه سختی بساز و صابر باش
بشر همیشه دچار بلا نخواهد ماند
الا که صاحب سیم و زری به احسان کوشی
که غیر بخشش وجود و سخا نخواهد ماند
فقیر گوشه نشین با توانگری خوش گفت
جهان همیشه به کام شما نخواهد ماند
کنون که چرخ به کام تو گشته، قدر بدان
که آب جوی به یک آسیا نخواهد ماند
هر آنچه می نگری در جهان شود فانی
به غیر خوبی اهل وفا نخواهد ماند
دل کسسی مشکن ای قوی به پنجه ظلم
که این شگستن دل بی صدا نخواهد ماند
به غیر کار نکو در جهان مکن خسرو
که کار خیر و نکو بی بها نخواهد ماند

مرحوم خسرو

مردم دنیا اگر با یکدیگر می ساختند
این جهان را از جنان هم پاکتر می ساختند
کینه و بغل و حسد در بین آنها گر نبود
چون برادر از صفا با یکدیگر می ساختند
زیر خاک تیره بنگر با چه خواری خفته اند
پادشاهانی که کاخ از سیم و زر می ساختند
باو مردم اگر می شد فنای زندگی
خویش را آماده از بهر سفر می ساختند

در نهاد اهل

رفت آن ا

هر که خواه

شیرازه عفاف و حیا و وقار و صبر
تنها به دست توست که مردآوری کنی
ما شیعه زاده ایم به این دلخوشیم که
بیمار می شویم کمی مادری کنی
بانو به قول خواجه، هواخواه خدمتیم
جا ماندگان قافله های شهادتیم
جان میدهیم و از درقان پر نمی زنیم
موجبیم و سر به ساحل دیگر نمی زنیم
وقتی که حرف، حرف ولایتمداری است
ما دم ز غیر تا دم آخر نمی زنیم
وقتی که امر نایبتان فرض جان ماست
سنگ کسی به سینه باور نمی زنیم
ما را فقط به پای ولایت نوشته اند
ما سینه پای بیرق دیگر نمی زنیم
با ذوالفقار نام علی پا گرفته ایم
ما درس خود ز مکتب زهرا گرفته ایم
سرود میلاد حضرت زهرا (س)
امشب به بحر آفرینی نوح دادند
بار دگر بر جسم احمد روح دادند
ای چار سادات بهشتی پس کجائید
کلتوم و ساره ، آسیه، مریم، بیائید
اطراف آن پاکیزه مادر را بگیرید
تطهیر و قدر و نور و کوثر را بگیرید
گل بوسه از قرص قمر گیرید امشب
روح محمّد را به بر گیرید امشب
آئینه حق آمده، بر گو تبارک
یا فاطمه، یا فاطمه ، عیدت مبارک (۲)
قرآن ناطق را ز بیغمیر بگیرید
جان خدیجه، روح حیدر را بگیرید
اوصاف کوثر باید از کوثر شنیدن
تنها ز احمد یا که از حیدر شنیدن
آئینه حق آمده، بر گو تبارک
بلفلمن بلفلمن عیدت مبارک (۲)

ؤمنین است
زمین است

حسن لطفی

این کیست ، این که محو تماشای خود شده
پیش از ظهور ، مادر بایای خود شده
در بی زمان مانده به میلاد ، سر بلند
از امتحان روشن فردای خود شده
با سیزده مناره خدا را صدا زده
قد قامت بلند مصلای خود شده
منظومه های شمسی او بی نهایت اند
گرم شکوه دیدن زرفای خود شده
عقل فرشته ها که به جایی نمی رسد
خود پاسخ شگفت معمای خود شده
حالا علی برای علی جلوه کرده است
آئینه تالو همتای خود شده
اصلا خدا هر آنچه که می خواست، او شده
این کیست این که حضرت زهراى خود شده

اشراق آسمانی راز تبارک است

صبح نزول سوره کوثر مبارک است

دل می بری غزل غزل از این ترانه ها
شیواترین عزیزترین مادرانه ها
باجذبه های چادر خورشید دوزی ات
گل میشوند غنچه به غنچه جوانه ها
تسبیح را به دست بگیر و بین که باز
معراج می روند همین دانه دانه ها
با آبه های سوره قدر آمدی که ما
ایمان بیاوریم به آن بی نشانه ها
هر صبح با سلام پیمبر طلوع توست
تنها بهانه پدردت از بهانه ها
آتش گرفت اگر تن تبارمان چه غم
نور دعای نور تو سر زد به خانه ها
یا نور ، فوق نور ، علی نور ، نور نور
خورشید میشویم از این جاودانه ها

ای کاش زیر سایه سادات جا کنیم

نانی خوریم و حق نمک را ادا کنیم

سر و آمدی که پای علی همسری کنی
اصلا رسیده ای که علی پروری کنی
با خطبه ات حماسه ای از واژه ها شگفت
شاید زمان آن شده پیغمبری کنی
تو از خودت برای خدا خرج می کنی
تا پاسداری از شرف سنگری کنی
که ریشه ولایت از آن آب می خورد
تا سایه ای بگیرد و حق گستری کنی
نهج البلاغه خوان مدینه ، طنین تو
پیچیده تا که شرح علی محوری کنی

امام خمینی

در دلم بود که آدم شوم اما نشدم
بی خبر از همه عالم شوم اما نشدم
دربیر پیر خرابات نهم روی نیاز
تا به این طایفه محرم شوم اما نشدم
هجرت از خویش کنم خانه به محبوب دهم
تا به اسماء معلّم شوم اما نشدم
از کف دوست بنوشم همه شب باده عشق
رسته از کوثر و زمزم شوم اما نشدم
فارغ از خویشتن و واله رخسار حبیب
همچنان روح مجسم شوم اما نشدم
سر و پا گوش شوم پای به سر هوش شوم
کز دم گرم تو مَلهَم شوم اما نشدم
از صفا راه بیابم به سوی دار فنا
در وفا، یار مُسلم شوم اما نشدم
خواستم برکنم از کعبه دل، هر چه بت است
تا بر دوست مکرّم شوم اما نشدم
آرزوها همه در گور شد ای نفس خبیث
در دلم بود که آدم شوم اما نشدم

محمد سلمانی

بی حرمتی به ساحت خوبان قشنگ نیست

باور کنید که پاسخ آئینه سنگ نیست
سواور گنبد می خورم به مرام پرنندگان
در عرف ما، سزای پریدن تفنگ نیست
با برگ گل نوشته به دیوار باغ ما
وقتی بیا که حوصله غنچه تنگ نیست
در کارگاه رنگرزان دیار ما
رنگی برای پوشش آثار ننگ نیست
از بردگی مقام بلالی گرفته اند
در مکتبی که عزت انسان به رنگ نیست
دارد بهار می گذرد با شتاب عمر
فکری کنید که فرصت پلکی درنگ نیست
وقتی که عاشقانه بنوشی پیاله را
فرقی میان طعم شراب و شرنگ نیست
تنها یکی به قله تاریخ می رسد
هر مرد پاشگسته که تیمور لنگ نیست

علیرضا قزوه

شوق عراق و شور حجاز است در دلم
جامه دران و سوز و گداز است در دلم
پل می زبم به خویش مگو از کدام راه
راهی که رو به آینه باز است در دلم
قد قامت الصلاه من از جای دیگر است
قد قامت کدام نماز است در دلم
شب را چراغ کم شدن روز کرده ام
ذکرت چراغ راز و نیاز است در دلم
تشبیه نارساست، حقیقت کلام توست
ابهام و استعاره ، مجاز است در دلم
مجموعه نیاز تویی ای نماز ناب
دیگر چه حاجتی به نیاز است در دلم

یاس کیود پیش تو خار است فاطمه

نامت گل همیشه بهار است فاطمه

زیبایی مدینه به غیر از بتول نیست
بی مهر او نماز دو عالم قبول نیست
می پرسم از شما که رسولان غیرتید
زها مگر خلاصه جان رسول نیست ؟
گیرم ولایت علی از یاد برده اید
آیا غدیر و دست محمد قبول نیست ؟
آخر اصول عشق مگر چیست جز ولا ؟
آیا مگر حدیث ولا از اصول نیست ؟
مهر علی ست روزی هر روز مهر و ماه
وقتی چراغ، فاطمه باشد، افول نیست
جبریل را به مرقد مولای عاشقان
بی رخصتی هر آینه، اذن دخول نیست

الله اکبر از تو که الله اکبری

ای مادر پدر که پدر را تومادری

زهرا ترین شکوفه گلخانه رسول
با نام تو مدینه مدینه ست یا بتول
ای مردمی که زایر راز مدینه اید
آه ای مجاوران حرم حج نان قبول
اینجا کنار حجره پیغمبر خدا
آئینه خانه ای ست پر از تابش اصول
آئینه ای که ماه در آن می کشد نفس
آئینه ای که ماه در آن می کشد نفس
ای بین فصل های خدا بهترین فصول
درین ماه های خدا چون تو ماه نیست
اینجا نماز

رضا جعفری

اشکم ولی ز چشم مدینه چکیده ام
یاسم که جای باغ به در آرمیده ام
چون ابر پشت پای علی اشک ریخته ام
چون آه در هوای علی پر کشیده ام
گفتی صلاح نیست که نفریشان کنی
نفریشان نکردم و عزلت گزیده ام
همچون نسیم در زده ام خانه هایشان
هر شب به کوچه های مدینه وزیده ام
در جلوه ام دوباره مگر نمی شوم
چون فرصتی گذشته ام و سر رسیده ام
نفسی فدا لئفسک یا مرتضی علی
هر چه بالای توست به جانم خریده ام

علی انسانی

چه می شد؟ گر مرا با غربت خود آشنا می کرد

چه می شد سفره اش گر، گل برای غنچه وا می کرد
چرا می کرد دور از چار طفلش بستر خود را
گل از چه خویشی را از غنچه های خود جدا می کرد
اگر از گریه اش همسایگان را شکوه بر لب بود
دل شبها نمی زد پلک و آنان را دعا می کرد
به چشم خویشتن دیدم که بشکستند بازویش
ولی مادر مگر دامان حیدر را رها می کرد
هم از سینه هم از بازویش خون می رفت در آن روز
ولیکن می دوید و باز بابا را صدا می کرد
نماز عشق نیست کرد ما بین در و دیوار
تا می کرد

علی انسانی

یک گل نصیبم از دو لب غنچه فام کن
 ای آفتاب خانه حیدر مکن غروب
 پیوسته نبض من به دو پلک تو بسته است
 تا آیدم صدای خدای علی به گوش
 از سرو قدشگسته نخواهد کسی خرام
 در های خلد بر رخ من باز می کنی
 این کعبه بازویش حجرا لاسودعلیست
 زینب بیا و با حجرم اسلام کن

 برای روضه زهرا به ما توان بدهید
 به چشم گریه کنان اشک بی امان بدهید
 برای سینه زدن در عزای مادرمان
 در این حسینیه ها بیشتر زمان بدهید
 میان روضه که همسایه ایم بین بهشت
 کنار خانه زهرا به ما مکان بدهید
 برای گریه بر آنچه که آمده سرمان
 به جای اشک به ما چشم خون فشان بدهید
 به آه و زمزمه در روضه ها تسلاهی
 به قلب غم زده صاحب الزمان بدهید
 اگر سؤال شد آخر چه شد به مادر ما
 فقط به دیده ی حسرت سری تکان بدهید
 نمی شود که بگوییم بین کوچه چه شد
 برای مرثیه خواندن اگر زبان بدهید
 به روز حشر زمان حساب ناله زیم:
 فقط به خاطر زهرا به ما امان بدهید
 قسم به عصمت آن چادری که خاکی شد
 مزار مادرمان را نشانمان بدهید

علی اصغر انصاریان

در آسمان ندیده کسی آختری چنین
 یزدان نهفته در صدقش گوهری چنین
 بعد از ظهور حضرت زهرا، دگر خدا
 خلقت نکرده جلوه زیباتری چنین
 سبب بهشتی است به دامان مصطفی
 هرگز نداشته پدری دختری چنین
 جز فاطمه که (أم ایها) لقب گرفت
 دیگر نبوده بهر پدر مادری چنین
 یک فاطمه برای ولایت کفایت است
 دارد علی به خانه خود یاوری چنین
 دو گوشواره اش حسنین اند، ای جهان
 داری سراغ بهر کسی زیوری چنین؟!
 زهرا نبود نخل امامت ثمر نداشت
 از او به جلوه آمده برگ و بری چنین
 زهرا شناس باش، حدیث کسا بخوان
 بی او نداشت اهل کسا محوری چنین
 بانوی بانوان جهان نیست غیر او
 نشینده ام که بوده زن دیگری چنین
 پایش به روی بال فرشته نهاده است
 عالم به حیرت آمده از معبری چنین
 با چادرش چقدر مسلمان درست کرد
 هشتم دخیل چادری و معجری چنین
 هرگز نماند سائل در مانده بی جواب
 باید که سر نهاد فقط بر دری چنین
 محشر بدون فاطمه محشر نمی شود
 محشر به وجد آمده از محشری چنین
 با دست های ساقی کوثر به روز حشر
 سیراب هست تشنه لب کوثری چنین
 بگرفته ام ز در که او تاج بندگی
 بالاتر است از دو جهان افسری چنین

دفن مخفیانه حضرت زهرا (س) محمد بن همام می گوید: روایت شده:
 حضرت فاطمه (س) در روز بیستم ماه جمادی الآخر از دنیا رحلت نمود.
 عمر مبارکش هجده سال و هشتاد و پنج روز بود. حضرت علی (ع) آن
 بانو را غسل داد. به هنگام غسل دادن او غیر از حضرت علی (ع) حسنین
 (ع) زینب (س) ام کلثوم، فضه خادمه و اسماء بنت عمیس کسی دیگر
 حضور نداشت. آنگاه جنازه آن بانو را شبانه با حضور حسنین (ع) به
 جانب بقیع حمل نمودند و نماز بر بدن مبارک خواندند و کسی از دفن
 ایشان مطلع نشد و احدی از مردم بر بدن آن بانو نماز نخواند مگر آن
 افرادی که گفته شد. علی (ع) بدن مبارکش را در روضه مقدسه دفن و
 موضع قبرش را پنهان کرد. صبح آن شبی که فاطمه علیها السلام را
 دفن نمودند اثر چهل قبر جدید در قبرستان بقیع مشاهده شد. روز بعد
 که مردم به بقیع آمدند با چهل قبر جدید مواجه شدند و نتوانستند قبر
 حضرت زهرا (س) را از میان آن چهل قبر تشخیص دهند.
 اکثر مردم از این مصیبت ضجه زدند و یکدیگر را ملامت کرده و گفتند:
 پیغمبر (ص) بیش از یک دختر نداشت؛ او رحلت کرد و دفن شد و ما بر
 پیکرش نماز نخواندیم و محل قبر او را هم نمی دانیم! بزرگان قوم
 گفتند: گروهی از زنان مسلمان را احضار کنید که این قبرها را بشکافند
 تا پیکر فاطمه علیها السلام را بیرون بیاوریم و بر بدن او نماز بخوانیم و
 قبرش را زیارت کنیم.
 هنگامی که خبر این توطئه به گوش حضرت علی (ع) رسید، خشمگین
 شد، چشمان مبارکش سرخ، رگهای گردنش بیرون زده و قبای زرد رنگی
 پوشید که آن را به هنگام غضب و ناراحتی می پوشید و دست بر دو

و این مریم دختر عمران، و آن دیگری کلثوم خواهر موسی بن عمران است،
 پس یکی از آنان در سمت راست خدیجه، و یکی در طرف چپ وی، و
 دیگری در مقابل او و چهارمین نفر در بالای سر او نشستند، و بدین ترتیب
 خدیجه، حضرت فاطمه علیها السلام را در حالی که پاک و پاکیزه بود، به
 دنیا آورد.
 هنگامی که آن حضرت متولد شد نوری از او ساطع گردید و داخل خانه های
 مکه شد به طوری که در شرق و غرب این شهر خانه ای باقی نبود مگر آنکه
 نور در آن داخل شده بود، آنگاه ده تن از حور العین در حالی که به دست
 هر کدامشان یک طشت و ظرفی از بهشت که پر از آب کوثر بود داخل اتاق
 شدند، آن بانویی که در پایین پاهای خدیجه قرار گرفته بود آن ظرفها را از
 دست ایشان گرفته و فاطمه علیها السلام را با آب کوثر شستشو داد، سپس
 طفل را در دو حوله سفید و خوشبو پیچید و بعد از آن از او خواست که
 سخن بگوید، پس فاطمه (س) زبان گشود و فرمود: شهادت می دهم که
 معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد، و شهادت می دهم که پدرم رسول
 خدا (ص) و برترین پیامبران است و همسرم علی (ع) برترین اوصیا، و
 فرزندانم برترین بازماندگان و سرور مردمان هستند، و پس از این گفتار به
 آن بانوان سلام کرد و هر یک را به نامشان خطاب کرد، پس آنان خندان و
 شادمان گردیدند و تولد او را به یک دیگر تبریک گفتند و اهل آسمان نیز
 ولادت او را به یک دیگر تبریک می گفتند، و به واسطه تولد فاطمه (س) در
 آسمان نیز نور خیره کننده ای ظاهر گردید که ملائکه پیش از آن نظیر آن را
 ندیده بودند. پس آن زنان به خدیجه گفتند: این مولود پاک و مبارک را
 بگیر که در خود او و نسل او برکت قرار داده شده، خدیجه در حالی که
 خوشحال و مسرور بود فاطمه (س) را در آغوش گرفت و سینه خود را در

ولادت حضرت زهرا: در کتاب امالی شیخ صدوق، از مفضل بن عمر نقل شده است که گفت: به امام صادق (ع) گفتم: ولادت حضرت فاطمه علیها السلام چگونه بوده است؟ امام (ع) فرمود: هنگامی که رسول خدا (ص) با خدیجه (س) ازدواج کرد، زنان مکه از خدیجه کناره گیری نمودند و نزد وی نمی رفتند، به او سلام نمی کردند، و به هیچ زنی اجازه نمی دادند که با او معاشرت و تماس داشته باشد. وقتی خدیجه به حضرت فاطمه (س) حامله شد، فاطمه (س) در رحم مادر همدم او بود و با مادرش سخن می گفت، و وی را به صبر توصیه می نمود، خدیجه این موضوع را از رسول خدا (ص) مخفی می داشت تا اینکه یک روز پیامبر نزد خدیجه آمد و شنید که او با کسی سخن می گوید، پس به او گفت: ای خدیجه! با چه کسی سخن می گویی؟ خدیجه گفت: با این بچه ای که در رحم دارم، او با من سخن می گوید و منس تنهایی من است.

رسول خدا (ص) فرمود: ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختر است، و گفته که او منشأ نسلی پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند، و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی امام و خلیفه خدا در زمین باشند. خدیجه (س) دائما در همین حال بود تا اینکه هنگام وضع حمل وی فرا رسید، پس کسی را نزد زنان قریش و بنی هاشم فرستاد که بیاید و مرا در امر تولد فرزندانم یاری نماید. آنان در جواب گفتند: چون تو سخن ما را در باره ازدواج با محمد (ص) نادیده گرفتی و با آن مرد فقیر و یتیم ازدواج کردی، پس ما نزد تو نخواهیم آمد و تو را در این امر یاری نخواهیم نمود.

خدیجه (س) از شنیدن این جواب غمگین شد؛ در همان حال چهار زن گندمگون و بلند بالا که خدیجه فکر می کرد از زنان بنی هاشم هستند نزد او حاضر شدند، هنگامی که خدیجه آنها را دید اظهار درد و ناراحتی کرد، یکی از آنان گفت: ای خدیجه! نگران نباش، زیرا ما فرستاده خداییم تا تو را در امر زایمان کمک کنیم، ما خواهران تو هستیم، من ساره هستم، و این بانو آسیبه دختر مزاحم است که در بهشت دوست و همراه تو خواهد بود، و

را زنده نگذارد. عمر درحالی که همراه یارانش بود، با علی (ع) ملاقات کرد و گفت: ای ابو الحسن! چه منظور داری؟ به خداوند سوگند ما قبر فاطمه (س) را می شکافیم و بر جنازه اش نماز می گزاریم.

علی (ع) لباسهای وی را گرفت و او بر زمین زد و فرمود: ای ابو السوداء! من حق خودم (یعنی مقام خلافت) را بدین جهت از دست دادم که مبادا مردم از دین خویش برگردند. اما در باره قبر فاطمه (س) به حق آن خدایی که جان علی در دست قدرت اوست اگر تو و یارانت راجع به این قبرها عملی انجام دهید زمین را از خون شما سیراب خواهیم کرد. عمر! از این خیال در گذر! در این حال ابو بکر جلو آمد و گفت: ای ابو الحسن! تو را به حق پیغمبر اسلام (ص) و آن کسی که بالای عرش است سوگند می دهم که از عمر دست برداری، زیرا ما از انجام دادن عملی که تو نمی پسندی خودداری می کنیم. راوی می گوید: علی (ع) عمر را رها کرد و مردم به ناچار پراکنده شدند و از قصد خود منصرف شدند.

(دلائل الأمامیه ص ۴۷، بحار الأنوار ج ۴۳ ص ۱۷۹)

علیرضا لک

با آنکه نفسهای پر از بال زدن داشت

در چشم گبودش رمق بودن من داشت

گلدوزی پیراهن او تا شب آخر

با من که نه! با اشک و غم و ناله سخن داشت

می گفت: بین پینه دستم شده بهتر

می گفت ولی آتش صد زخم به تن داشت

می گفت: مهم نیست یکی دو سه جراحت

یا اینکه نمی گفت چه دردی به بدن داشت

از آرزوی خوب شدن گفتم و گفتم

اما مگر این زخم، سر خوب شدن داشت؟!

یک عمر نشستیم و در این کوچه نوشتیم:

ای شهر! مگر یک زن غمدیده زدن داشت؟

یوسف رحیمی ولادت امام سجاد

نور حق می دمد از مشرق سجاده تو

چه شکوهی ست در این زندگی ساده تو

می رود از نظرش جنت و ملک و ملکوت

آنکه از روز نخستین شده دلدادۀ تو

زمزم و کوثر و تسنیم به وجد آمده اند

از زلالی می و روشنی باده تو

هر کسی معجزه ی چشم تو را باور کرد

می شود بنده ولی بنده ی آزاده تو

با کرامات نگاهت دل هر عاشق را

می برد سمت خدا روشنی جاده تو

آمدی تا به جهان نور یقین بر گردد

نور ایمان و سعادت به زمین بر گردد

مکه با مقدم تو عطر بهاران دارد

دیده روشن تو رحمت باران دارد

کعبه بر شانه لطف تو توکل کرده

با نفس های مسیحایی تو جان دارد

مثل جدت تو نهادی حجر الاسود را

ور نه بی مرحمت قامت لرزان دارد

هر کسی در دل او نور ولایت جاری ست

به کرامات تو و چشم تو ایمان دارد

از نگاهت همه اعجاز و یقین می بارد

چشمهای چقدر تازه مسلمان دارد

آیه کلمات تو همه روشنی اند

خط به خط مصحف تو جلوه قرآن دارد

لحظاتی همه از نور خدا لبریزند

یوسف رحیمی

آئینه دار ام اییها صبور باش

زینب در این دو روزی دنیا صبور باش

دنیا اسیر درد و غم بی ملالی است

در این سکوت سرد تماشا صبور باش

بابا که نیست هر چه دلت خواست گریه کن

اما کنار غربت بابا صبور باش

این روزهای غرق محن با برادرت

یا صحبتی ز کوچه مکن یا صبور باش

حرفی نزن ز پهلوی زخمی مادرت

در این غروب عاطفه تنها صبور باش

کار من از طبیب و مداوا گذشته است

انگار رفتی شده زهرا صبور باش

گاهی دلت بهانه مادر که می کند

بر سر بگیر چادر من را صبور باش

امروز تازه اول راهست دخترم

فردا که پر کشیدم از اینجا صبور باش

یک روز می روی به بیابان گر بلا

بر تل بیقراری و غمها صبور باش

خورشید خون گرفته من پیش چشم تو

بر روی نیزه می رود اما صبور باش

این آخرین وصیت مادر به زینب است

تا جان به نام مکتب صبور باش

یوسف رحیمی

نیمه شب، اشک، عزا، آه چه غوغا شده بود
مجلس ختم علی بود که برپا شده بود
گریه کن: دیده خونبار ولی الله و
روضه خوان: چشم کیودی که معما شده بود
آنکه در صبر زبانزد شده بود از اول
حال بی صبرتر از فضا و آسما شده بود
هق هق گریه و مولای صبوری، ای وای
راز جانسوز ترین حادثه افشا شده بود
بازویی را که نود روز مولا پوشاند
در شب پر زدش، قاتل مولا شده بود
آه تا صبح دگر دیده او باز نشد
درد پهلو دگر انگار مداوا شده بود
دست می شست ز جان، لحظه به لحظه مولا
گر چه زهرا خودش از قبل مهیا شده بود
بر علی آن شب جانگناه چهل سال گذشت
بعد از آن قامت خیر شکش تا شده بود
شایعه شد که علی عاقبت از پا افتاد
هر چه شد آه پس از رفتن زهرا شده بود

علی صالحی

وقتی که آسمان و زمین تار میشود
یا رب بین چگونه علمدار لافتی
در خانه ای که مجلس ترحیم مصطفی ست
هنگام ثبت واقعه غربت علی
بر بازویم نوشته که در کوجه شوهرم
وقتی که می دوم سوی حیدر؛ نفس زدن
زینب مریز اشک که این تازیانه ها
دست سیاه فتنه پدیدار میشود
در حلقه طناب گرفتار میشود
کوثر کتیبه در و دیوار میشود
خون جوهر و قلم نوک مسمار میشود
با یک غلاف تیغ عزادار میشود
با سینه شکسته چه دشوار میشود
در کربلا برای تو تکرار میشود

با تو هر لحظه من بوی خدا می گیرد
عطر اخلاص و مناجات و دعا می گیرد
بچشان بر دل ما طعم عبودیت را
سجده هامان به نگاه تو بها می گیرد
تو ولی نعمت ما و همه عبودت هستیم
رحمت و اسعه ات دست مرا می گیرد
تا بقیعت دل شیدای مرا راهی کن
عشق از گوشه چشمان تو پا می گیرد
آقدر بنده نوازی که دل چون من هم
عاقبت تذکره کرب و بلا می گیرد
بانوی روضه اربابی و باران باران
چشمم از محضر تو اذن بگما می گیرد
از تو بر گردن اسلام چه دینی مانده
با فداکاری تو شور حسینی مانده
رهبر جان به کف اهل ولایی آقا
مظهر بی بدل صبر و رضایی آقا
به تو و عزت و ایثار و شکوهت سوگند
علم افراشته خون خدایی آقا
بیرق نهضت ارباب به روی دوش
وارث سرخی خون شهدایی آقا
خطبه حیدری ات کاخ ستم را لرزاند
همه دیدند که مصباح هدایی آقا
مصحف چشم تو از عشق حکایت دارد
راوی غیرت و ایمان و وفایی آقا
دیده غرق به خون تو گواهی داده
تو عزادار چهل سال منایی آقا
اشک هم از غم چشمان تو خون می گیرد
زائر جان به لب کرب و بلائی آقا
چشمهای تو از آن ظهر قیامت می خواند
دم بدم در همه جا داشت مصیبت می خواند

آخرین لحظات عمر حضرت زهرا: اسماء می گوید: در آخرین ساعات عمر حضرت در محضرش بودم که روی خود را کشید و به من فرمود: پس از چند لحظه مرا صدا بزن، اگر جواب تو را گفتم که هیچ و آلا بدان که نزد پدر بزرگوام رفته ام. بعد از دقایقی آن بانوی مظلومه را صدا زدم. ولی جوابی نشنیدم، دوباره صدا زدم: ای دختر محمد مصطفی، ای دختر بهترین کسی که مادرش وی را حمل کرد، ای دختر بهترین کسی که بر روی سنگریزه ها پا نهاد، ای دختر آن کسی که مقامش به قاب قوسین او ادنی رسید! اما جوابی نگرفتم. وقتی لباس آن حضرت را از روی بدنش برداشتم ناگاه دیدم از دنیا رفته است. بدن آن بانو را حرکت می دادم و می گفتم: ای فاطمه! زمانی که نزد پدر بزرگوارت رفتی سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان.

در همان حینی که اسماء این سخنان را می گفت حسنین علیهم السلام از راه رسیدند و گفتند: اسماء! مادر ما در چنین ساعتی به خواب نمی رفت؟! عرضه داشت: مادر شما خواب نرفته، بلکه از دنیا رفته است. امام حسن علیه السلام روی بدن مادر افتاد و پیکر مقدس او را حرکت می داد و می فرمود: مادر جان! قبل از اینکه روح از بدن من مفارقت کند با من حرف بزن! امام حسین علیه السلام نیز پاهای مبارک مادر را حرکت می داد و می بوسید و می فرمود: مادر جان! من فرزند تو حسینم. قبل از اینکه بمیرم با من صحبت کن! اسماء به آنها گفت: ای فرزندان پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله نزد پدرتان علی علیه السلام بروید و آن حضرت را از فوت مادرتان آگاه نمایید.

حسنین علیهم السلام از خانه خارج و به سوی مسجد روانه شدند، هنگامی که نزدیک مسجد رسیدند صدا به گریه بلند کردند. گروهی از صحابه به

وفات حضرت ام کلثوم: در خصوص زمان وفات ام کلثوم اختلاف نظر هست عده ای از علما مستند به حدیثی از کتاب وسائل الشیعه شیخ حر عاملی وفات او را قبل از شهادت امام حسین میدانند و عده ای دیگر همچون سیدبن طاوس بعد از کربلا و در جریان ورود اهل بیت به کوفه خطبه ای را از ایشان نقل میکنند، در روز عاشورا وقتی امام سجاد علیه السلام میخواست به باری پدرش برود امام علیه السلام فرمودند ای ام کلثوم! او را برگردان تا کشته نشود و زمین از نسل محمد خالی نماند! این بانوی جلیله بعد از شهادت سیدالشهدا اینگونه ناله میزدند: یا محمد صلی الله علیه و آله ای جد بزرگوار این حسین علیه السلام توست که در میدان کربلا، سر از قفا بریده و عمامه و ردای او را روده اند! در هنگام ورود به شام نیز به سراغ شمر رفت و فرمود به نیزه دارها بگو سرها را از لابلای محمل زنان جلوتر ببرند تا ناموس آل الله در معرض دید مردمان قرار نگیرند ولی شمر ملعون دقیقاً بر عکس عمل نمود. ایشان چهار ماه بعد از برگشت از کربلا رحلت نمودند. رضا رسول زاده

بانو زبانزد است حیایی که داشتی
نازل شود به وحی خدا مدح وصف تو
در آسمان حیدر و زهرا پریده ای
با حضرت عقیله صحرای کربلا
دیدند اهل کوفه که حیدر ظهور کرد
دید مصیبتی که دگر کسی نمی رسد
قربانی تو نزد خدایت قبول شد
ام البین به شهر مدینه که روضه داشت
با زینب و رباب فقط ناله می زد
تقسیم شد میان اسیران اهل بیت
حتی زن یزید لعین گریه اش گرفت
عباس بود روی نی و بست چشم خود
در خیمه های سوخته آمد چه بر سر تو؟
تاریخ ثبت کرده وفایی که داشتی
با آن مقام پیش خدایی که داشتی
مهد کمال بود هوایی که داشتی
مشهور بود صدق و صفایی که داشتی
با خطبه ها و صوت رسایی که داشتی
به ابتدای صبر و رضایی که داشتی
یک عمر ماند رنگ حنایی که داشتی
گل می نمود آه و بگایی که داشتی
با خاطرات کرب و بلائی که داشتی
در شهر شام آب و غذایی که داشتی
با دیدن خرابه و جایی که داشتی
وقتی که دید تاول پایی که داشتی
بعد از غروب و شام عزایی که داشتی

رحیم ابراهیمی

وقتی تو دل نازک تر از ابر بهاری

حق داری از دوری گلهایت بیاری

تو همچنان شمی که بعد از آن وقایع

کارت شده یک عمر تنها گریه زاری

تو پا به پای زینب کبری همیشه

یک گوشه در شهر مدینه روضه داری

با او تمام روضه ها را گریه کردی

ام المصائب را تو تنها غم غمگساری

روزی که آمد کاروان غم برایت

آن روز شد روز شروع بی قراری

معلوم شد عباسان در کاروان نیست

با اینهمه دیگر چرا چشم انتظاری؟

آن روز پرسیدی ز هر شخصی که دیدی

آیا خبر از یوسف زهرا نداری؟

دیگر کسی خنده به لبهایت ندیده

آری که تا دنیاست دنیا سوگواری

شکر خدا در علقمه حاضر نبودی

آخر چطور می خواستی طاقت بیاری

وقتی شنیدی دست هایش را بریدند

کم مانده بود از غصه او جان سپاری

عباس تو سعی خودش را کرد اما

دیگر چرا تو از سکینه شرمساری؟

احساسهای تو سفر کردند و رفتند

اما تو ماندی و نگاه اشکباری

قال علی (ع) ثوابُ العملِ علی قدرِ المسقَّةِ فیهِ

علی(ع) فرمود: ثواب هر کاری به اندازه رنجی است که در آن است

عشق است کزو مشعل دل مشتعل است هجر است که جانگدازتر از اجل است

اجر عمل از رنج عمل در یابد چون اجر عمل بقدر رنج عمل است

فرمودند: نه، مادر ما از دنیا رحلت کرده است؟ حضرت امیر (ع) پس از شنیدن این خبر جانگداز به رو افتاد و فرمود: ای دختر حضرت محمدا! من غم و اندوه خود را بعد از تو به که بگویم؟ من درد دل‌های خود را برای تو می‌گفتم، اکنون برای چه کسی درد دل کنم؟ روایت شده: هنگامی که حضرت علی بن ابی طالب (ع) پیکر مبارک فاطمه علیها السلام را نزدیک قبر آورد، دستی شبیه دست پیامبر (ص) از قبر بیرون آمد و پیکر حضرت زهرا(س) را از او گرفت.

(بحار الأنوار ج ۴۳ ص ۲۰۹)

علی انسانی

حفظ «رب البيت» از حج برتر است

تا بگیرم کعبه از اصحاب فیل

رهسپر کردم به مسجد گام خود

از صفا تا مروه کردم هروکه

بر نگردم بی‌علی در خانه‌ام

طوف من دور علی گردیدن است

دور تو گشتم که شد حج، تمام

یافتیم میقات من پشت درست

رمی شیطان کردم از امر جلیل

بسته بودم پشت در احرام خود

سعی کردم تا نماند فاصله

گفتم او شمع است و من پروانه‌ام

حج من رخسار حیدر دیدن است

آنقدر ای قبله بیت‌الحرام

یوسف رحیمی

تفسیر رنجنامه گوثر نگفتنی است

مبنای روضه خواندن ما بر کنایه است

وقتی که با اشاره ای از دست می رویم

حالا بماند آن همه غربت نشینی اش

آری سه ماه خون جگر خورد و دم نزد

بهرتر که حرف کوچۀ دلواپسی نشد

جریان گوشوار شگسته برای بعد

با بال اشک سمت حرم پر کشیده ایم

او رفت و دردهای دلش نا شنیده ماند

تشریح حادثات مکرر نگفتنی است

باور کنید روضه مادر نگفتنی است

شرح تمام روضه که دیگر نگفتنی است

دلتنگی فراق پیمبر نگفتنی است

از قصه ای که سخت تر از هر نگفتنی است

اصلاً حکایت گل پرپر نگفتنی است

مرثیه های خاکی معجز نگفتنی است

شوق طواف مرقدش آخر نگفتنی است!

تفسیر رنجنامه گوثر نگفتنی است

حسن فطرس

بنال ای دل شب ام البنین است

شب تاب و تب ام البنین است

صدای قطره‌های آب لوزان

غم روز و شب ام البنین است

به طفلان حال عباسش بگوید

وفا چون مذهب ام البنین است

میان ناله‌ها امشب بنالد

ابالفضلم گل ام البنین است

اگر شد کار عباسش دلیری

شجاعت مکتب ام البنین است

اگر عباس او باب گرم شد

سخاوت منسب ام البنین است

کتاب غیرت و عشق و شهادت

نمی از مشرب ام البنین است

سید محمد بابامیری

غم با نگاه خبسی تو معنا گرفته

یک موج از اشک تو را دریا گرفته

در فصل غم، فصل خسوف ماه خونین

خورشید هم مثل دلت گویا گرفته!

تا آسمانها می‌رود دلمویه هایت

کار دل خونت عجب بالا گرفته!

این روزها با دیدن حال تو بانو!

بغضی گلوی اهل یترب را گرفته

هر روز اشک و آه، حق داری بسوزی

یک کربلا غم در نگاهت جا گرفته!

می دانم اینجا بارها با دست لوزان

اشک از دو چشمت حضرت زهرا گرفته

تاریخ را می‌گردم - آری - تا ببینم

چون آمد آن روز که تو را گرفتند

ذکر زمزمه ای ربانحال وصایای حضرت زهرا با حضرت زینب

گل بابا ، شمع دلها ، بیا ای امید زهرا بیقرارم ، یا تو دارم ، زینب بسی وصایا

روزهای آخر شد آخر ، از پشت زود میره مادر

اما بعد رفتن من ، جان تو و جان حیدر

بعد مادر، توبه حیدر، از دل و جان بشو باور غم نبینه، یا نشینه، تو خانه ساقی گوثر

مثل من خانه دارش باش، همچو من طرفدارش باش

چاه نشه محرم دردش، زینب تو غمخوارش باش

کوه درد، آه سرد، زخمی از تیغ نامرد روز بعد از رفتن من، از بقیع چون بر میگردد

لحظه ای تنهاش نذاری، بطلب از همه یاری

من خودم میام مادر جان، علی رو بدم دلداری

ذره ذره، میشه پاره، یا میسوزه از شراره قلب بابا، دو سه روزه، پس بگرد دنباله چاره

نذاری ماتم بگیره ، که به داغ من اسیره

نکنه از غم هجرم ، دق کنه و زود بمیره

اگه رفته ، غم گرفته، یا که یک گنجی نشسته از غریبی ، بی حیبی، یقیناً دلش شکسته

زود برو بشین رو پاهاش، با دست پاک کن تو اشکاش

بگو آتش من هی ، جان مادرم صبور باش

دل شیها، تک و تنها ، که میگیره دل دریا غریبانه، بی نشانه، بیش من میاد چو بابا

بعضی شیها همرش باش ، همدم درد دلش باش

قامت خمت رو راست کن ، عصای قد خمش باش

کل پرپر، یاس مادر، حلالم کن جان حیدر اگه سخت ، این وصایا، ندارم هیچ کس دیگر

این کارها برا تو زود ، طاقتت اینها نبود

میدانم که مثل مادرم، بدن تو هم کی بود

مهربانم، قد کمانم ، دختر شیرین زبانم غنچه نشکفته پرپر، الهی دردت بجانم

درد و داغ بعد از اینه، تو همین شهر مدینه

جگر داداش حسن رو، چشم خونبارت میبینه

چون آمد آن روز که تو را گرفتند

حسن لطفی

غروب بود و غمی می وزید در کوچه
 و پلک فاجعه ای می پرید در کوچه
 هوا گرفته زمین تیره آسمان ها تار
 غروب بود و شب اما رسید در کوچه
 در امتداد دو دیوار سنگی نزدیک
 فرشته ای پر خود می کشید در کوچه
 و کودکی که پر چادری به دستش بود
 کنار مادر خود می دوید در کوچه
 مسیر خانه همین بود و چشم او می دید
 چگونه راه به پایان رسید در کوچه
 در امتداد دو دیوار سنگی نزدیک
 چهل نفر همه از سنگ دید در کوچه
 به خشم پنجه خود می فشرد نامردی
 همانکه لب ز غضب می گزید در کوچه
 کشید چادر مادر... بیا که برگردیم
 کبوترانه دلش می تپید در کوچه
 چه شد، که زد، چه به روزش رسید با سبلی؟
 صدای مادر خود میشنید در کوچه
 چه شد، که زد، که ز دیوار هم صدا آمد
 به ضربه ای، نفسی را برید در کوچه
 غروب بود و دلی مثل گوشواره شکست
 و کودکی شده مویش سپید در کوچه

یا فاطمه ای منشاء خیر و برکات مهر تو بود قبولی صوم و صلوات
 فرموده نبی خدا گناهی بخشد هر کسی که برای تو فرستد صلوات

افشین علاء

زن رشک حور بود و تمنای خود نداشت
 چون آسمان نظر به بلندای خود نداشت
 اسمی عظیم بود که چون راز سر به مهر
 در خانه ای علی سر افشای خود نداشت
 ام البنین گیاه ای از شرم عاشقی است
 کز حجب تاب نام دل آرای خود نداشت
 در پیش روی چهار جگر گوشه بنول
 آینه بود و چشم تماشای خود نداشت
 زن؟ نه! همای عرش نشینی که آشیان
 جز کربلا به وسعت پرهای خود نداشت
 در عشق پاره های جگر داده بود و لیک
 بعد از حسین میل تسلائی خود نداشت
 عمری به شرم زیست که عباس وقت مرگ
 دستی برای یاری مولای خود نداشت

حسین ایمانی

عزا بگیر بقیع روضه خوان تو رفته
 صدای وای حسینش به گوش می آید
 چهار قبر خیالی به خاک تو پیداست
 به یاد مادر عشق و ادب بز ناله
 قسم به نوحه زیبای بر لبش، قلبم
 روان و روح تو و مادر وفا آنجاست
 سری به نیزه بلنداست ویای نی زینب
 نوای بانوی احساس ذکر العجل است
 زبان بگیر به شیون زبان تورفته
 اگر چه صاحب آه و فغان تورفته
 نشانه هاست به جا و نشان تورفته
 شکوه ناب و لا روح و جان تورفته
 تپیده باغم تو با روان تورفته
 که روی نیزه سرعاشقان تورفته
 هزار آه که با دشمنان تورفته
 دعای ندبه بخوان ندبه خوان تورفته

قال علی (ع): یبدل الرحمه تستنزل الرحمه (غرر الحکم و درر الکلم)

حضرت علی: رحمت در حق دیگران موجب نزول رحمت است
 روشن چو دل از نور محبت گردد
 با مهر قرین، دور ز محنت گردد
 گر طالب رحمتی، به رحمت رو کن
 رحمت سبب نزول رحمت گردد

وفات حضرت فاطمه کلابیه (ام البنین): تقریباً حدود پانزده سال بعد
 از شهادت حضرت زهرا (س) امیر المومنین علیه السلام از برادرش عقیل که
 آشنا به علم انساب بود خواست تا همسر مناسبی از قبیله و خانواده ای
 با اصل و نسب پیدا کند و عقیل فاطمه دختر حزام بن خالد از قبیله بنی
 کلاب را برگزید، که از این ازدواج چهار فرزند به نام های عباس علیه السلام ،
 عبدالله ، جعفر و عثمان متولد شدند که هر چهار فرزند رشیدش در
 کربلا به شهادت رسیدند. گاهی دیده شده است که عنوان میشود امیر
 المؤمنین علیه السلام مدت کمی بعد از شهادت حضرت زهرا (س) با ام البنین
 ازدواج کرد و بر همین مبنا داستان سرائی های نیز در خصوص نحوه
 ورود ایشان به خانه حضرت علی علیه السلام و یا نحوه برخوردش با فرزندان
 حضرت زهرا (س) مطرح می کنند که صحیح نیست. همانگونه بسیاری
 از بزرگان همچون شیخ عباس قمی، علامه بیرجندی، علامه مجلسی و ...
 مستند به کتب معتبر نوشته اند امیر المؤمنین علیه السلام بنا به وصیت خود
 حضرت زهرا (س) پس از شهادت او با امامه دختر خواهرش ازدواج نمود
 سپس با اسماء بنت عمیس، پس از آن با لیلی التمیمیه و در آخر سر با
 فاطمه کلابیه (ام البنین) ازدواج نمود (بحار الأنوار ۱۸۲/۴۳، کبری
 احمر ۳۷۵ و منتهی الآمال ۲۲۷) و از این سه زن اول (امامه، اسماء و لیلی)
 صاحب ۱۸ فرزند شدند، لذا می بینیم که حضرت عباس علیه السلام اولین و
 بزرگترین فرزند ام البنین حداقل ۲۳ سال از سیدالشهدا علیه السلام کوچکتر
 هستند یعنی در زمان تولد حضرت عباس سیدالشهدای ۲۳ ساله
 ازدواج نموده بودند. حضرت ام البنین در ۱۳ جمادی الثانی سال ۶۴
 هجری دعوت حق را لبیک گفتند. ایشان پس از واقعه کربلا تا پایان
 عمر مبارکشان به عزاداری پرداختند اما در مورد نحوه عزاداری که
 چهار صفت قدسی تسبیح کند و بعد از آن اختلاف نظر ها منقدها

غلامرضا سازگار

سلام ما به تو ای هاجر چهار ذبیح درود ما به تو ای مریم چهار مسیح
 سپهر نور فروز سه اختر و یک ماه عجب نه خوانم اگر مادرت به نار الله
 سلام بر تو و ابناء و شوهرت، مادر به عطر دامن عباس پرورت مادر
 ادب به قامت زهرایی ات قیام کند و فایه غیرت عباس تو سلام کند
 سلام زینب کبرا و حضرت سجّاد به خون پاک بنین تو پاک مادر باد
 اگر چه با همه گفتم کنیز زهرایی به چشم آل محمد عزیز زهرایی
 تو بعد فاطمه در بیت وحی فاطمه ای تو آسمان ادب را همیشه قائمه ای

محسن حنیفی

غصه ها بر روی پیشانی چین انداخته
 گریه ها از پای او را اینچنین انداخته
 مادری کرده برای بچه های فاطمه
 خویش را پای امیرالمومنین انداخته
 چار فرزند او فدای پنج تن آورده است
 سرفه نذریست که ام البنین انداخته
 مادر قدیسه لب تشنه های کربلا
 گریه اش لوزه تن روح الامین انداخته
 مادر باب الحوائج دارد از دریا گله
 چون که دریا روی او را بر زمین انداخته
 باورش هرگز نخواهد شد عمود بی حیا
 پهلوان شهر را از روی زین انداخته
 او شنیده زینش افتاده روی خاک ها

سه درس عملی از سه حدیث گهر بار ائمه

۱- در مصائب اهل بیت علیهم السلام گریان و در شادی آنها شاد باشیم: قال علی علیه السلام: اِنَّ اللّٰهَ اِخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ بِفِرْحَانَا وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا. علی علیه السلام فرمود: خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می کنند، با خوشحالی ما خوشحال می شوند و در اندوه و غم ما، محزون می گردند. (غررالحکم، ج ۱، ص ۲۳۵)

۲- بطور سنتی، طبیعی و بی تکلف عزاداری کنیم: عن أبي هارون المكفوف قال: دَخَلْتُ عَلَى ابِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: أَنْشِدْنِي، فَأَشَدُّتُهُ فَقَالَ: لَا، كَمَا تُشِيدُونَ وَ كَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ؛ ابو هارون مكفوف می گوید خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم. امام علیه السلام به من فرمود: برایم شعر بخوان پس برایش اشعاری خواندم. فرمود: اینطور نه، همان طور که (برای خودتان) شعرخوانی میکنید و همانگونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا مرثیه میخوانی. (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷). نکته: باید دقت داشته باشیم که عزاداری های ما طبیعی، بی تکلف و یا تقلید نابجا از عزاداری دیگران نباشد، مردم هر شهر به تناسب اقلیم و جغرافیای خویش عزاداری میکنند، فراموش نکنیم عزاداری تقلید نیست، بلکه عشق بازی است، حرف دل با محبوب گفتن است، بی تکلف و بی...

۳- مداح باید راز دار اهل بیت باشد: قال الصادق علیه السلام: نَفْسُ الْمُتَمُومِ لُظْمِينَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كَيْتَمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ. امام صادق علیه السلام فرمود: نَفْس کسی که بخاطر مظلومیت ما اندوهگین شود، تسبیح است و اندوهش برای ما، عبادت است و پوشاندن راز ما جهاد در راه خداست. سپس افزود: این حدیث را باید با طلا نوشت!

لیله ی قدر پیغمبر خوش آمد

عید فرخنده ی کوثر خوش آمد

آمد به دنیا ام ابیها ۲

خوش آمدی ۲ حضرت زهرا

فاطمه جان ۴

بوسه از دست او گیرد پیمبر

شده سرمست او ساقی کوثر

لاله ی طاها عصمت کبری

خوش آمدی ۲ حضرت زهرا

فاطمه جان ۴

من به سینه دگر نفس ندارم

روز محشر به جز تو کس ندارم

تمام هستم دل به تو بستم

خوش آمدی ۲ حضرت زهرا

فاطمه جان ۴



جشن ولادت سوره ی کوثر است هستی خلقت است اهل عالم

عصمت کبریا فاطمه همسر شاه ولایت است اهل عالم

فرشتگان همه در زمزمه

خوش آمدی حضرت فاطمه

زهرا زهرا فاطمه فاطمه

مزده ای شیعیان آمده درجهان بانوی بانوان نور ایزد

باعث خلقت آسمان و زمین گل باغ جنان جان احمد

فرشتگان همه در زمزمه

خوش آمدی حضرت فاطمه

زهرا زهرا فاطمه فاطمه

مکه امشب شده غرق دریای نور آمده در ظهور شمس عصمت

راضیه مرضیه طاهره انسیه حوریه منبع جود و رحمت

فرشتگان همه در زمزمه

خوش آمدی حضرت فاطمه

زهرا زهرا فاطمه فاطمه

مهدی خرازی

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!



شب میلاد فاطمه بود امشب مبارک ۲
به سر خاتم رسل شده تاج تبارک
جان نبی عشق علی قبله ی دلها یازها
شده امشب ز روی تو همه جا نورباران
بفدای قدوم تو که تویی نور قرآن
کوثر حق یاور حق ام ایها یازها
بزند بوسه بر رویت گل باغ رسالت
همه دم با تو میگوید جان بابا فدایت
روح نبی ام ابی سوره ی کوثر یازها
بنگر برگدایانت که براهت نشسته
به طواف حریم تو آمده دسته دسته
شافع کل دسته ی گل مادر شیعیه یازها
دگراز هجر روی تو بنگر بیقرارم
گربیبایی بیای تو سر خود میگذارم
حبیب من طبیب من یابن الزهرا یا مهدی



مژده مژده که لطف حق آید امشب از آسمان
از مقدم گل نبی روشن شد قلب شیعیان
ای نورپاک سرمدی یافاطمه خوش آمدی
دسته گل محمدی یافاطمه خوش آمدی
طبیب دلها تویی زهرا
شفیعه ی ما تویی زهرا
امید بابا تویی زهرا
یا مولاتی یا فاطمه ۳

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

امشب دارد به دامنش مادر یکدانه دسته گل
میبوسد روی ماه او هر لحظه خاتم رسل
ای نور دیده ی همه نامت گردیده فاطمه
گویم بی ترس و وا همه جانم فدای فاطمه

طیبب دلها تویی زهرا

شفیعه ی ما تویی زهرا

امید بابا تویی زهرا

یا مولاتی یا فاطمه ۳

گرد قنداقه عرشیان گویند باشور وزمزمه
گلباران گشته آسمان از میلاد تو فاطمه
شیعه برگو تو منجلی شدمیلاد یار علی
نبود غیر از گل نبی هم کفو و هم تای علی

طیبب دلها تویی زهرا

شفیعه ی ما تویی زهرا

امید بابا تویی زهرا

یا مولاتی یا فاطمه ۳

رویم باشد سیه ولی دارم مهرت به سینه ام
ای نورخانه ی علی من مشتاق مدینه ام
ای نورچشم عالمین کن قسمتم به شوروشین

طیبب دلها تویی زهرا

شفیعه ی ما تویی زهرا

امید بابا تویی زهرا

یا مولاتی یا فاطمه ۳



فرخنده میلاد زهرا ی اطهر است

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

پاره ای از تن وجان پیغمبر است
گوئید ای مسلمین با صوتی دلنشین
مرحبا مرحبا آفرین آفرین
خانه مصطفی نورباران شده
رخساره زهرا بین نمایان شده
نور او تابیده تا به عرش برین
مرحبا مرحبا آفرین آفرین
حق تعالی نگر چه گلی آفرید
از بهر مقدمش دسته گل آورید
او بود زاده ی طاهها و یا وسین
مرحبا مرحبا آفرین آفرین
فرشتگان حق دارند این زمزمه
از بهر میلاد حضرت فاطمه
همصدا گشته با جمله ی حورالعین
مرحبا مرحبا آفرین آفرین
حجه“ ابن الحسن مهدی فاطمه
یکنظر کن تو بر این محبان همه
جان این مولود و اجداد طاهرین
مرحبا مرحبا آفرین آفرین



(بضعه ی خاتمی شمسه ی عالمی) ۲

ای خدیجه محو بویت فاطمه

زد خدا خنده به رویت فاطمه

(تو همه عصمتی مادر خلقتی) ۲

والله محشر بی تو غوغایی ندارد

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

بی تو شفاعت قدر و معنایی ندارد

(قبله ی هردلی حل هر مشکلی) ۲

ای دل سرگشته ام در بند تو

ای بهشت من گل لبخند تو

(ای به تو خوش دلم سائلم سائلم) ۲

ملیکه هستی و تورا حلقه به گوشم

مهرتورا به مهر و مه نمیفروشم



خدیجه کوثر آوردی مبارک

جمال داور آوردی مبارک

نبی را دختر آوردی مبارک

ولی را همسر آوردی مبارک

ای دخت پیمبر، ای سوره کوثر

زهره زهرا میلادت مبارک

میلادت مبارک

نبوت را فروزان اختر است این

احمد را گرامی دختر است این

ولایت را یگانه مادر است این

امیرالمومنین را پاور است این

ای عصمت داور، ای هستی حیدر

زهرا زهرا میلادت مبارک

میلادت مبارک

کتاب الله مرآت جمالش

سلام الله بر قدر و جلالش

محمد خرم از خلق و خصالش

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

امیرالمومنین محو کمالش

ای بحر عنایت ای مام ولایت

ز هرا زهرا میلادت مبارک

میلادت مبارک

صفورا! آسیه! مریم! کجایید

همه از گلشن رضوان بیایید

ثنای دخت پیغمبر سراپید

تبسم بر رخ زهرا نمایید

ای ام ابیها آیینه طاهها

زهرا زهرا میلادت مبارک

میلادت مبارک

تو دخت رحمة للعالمینی

تو تنها مادر قرآن و دینی

تو حبل محکم حبل المتینی

طرفدار امیرالمومنینی

ممدوحة سرمد محبوبه احمد

زهرا زهرا میلادت مبارک

میلادت مبارک

ولایت مثل تو مادر ندارد

محمد مثل تو دختر ندارد

خدا مانند تو کوثر ندارد

علی مانند تو یاور ندارد

ای شمسة عصمت ای روح محبت

زهرا زهرا میلادت مبارک

میلادت مبارک

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!



امشب بر ختم الانبیا، کوثر بخشیده خدا
امشب بر کل اولیا، مادر بخشیده خدا
امشب بر مرتضی علی، یاور بخشیده خدا
امشب بر خیل حوریان، سرور بخشیده خدا
عید اولاد احمد است، روشن چشم محمد است
دخت پیمبر یا زهرا، عصمت داور یا زهرا
روح مصور یا زهرا، هستی حیدر یا زهرا
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک
امشب پیغمبر خدا، قرآن دارد به بغل
امشب بانوی بیت وحی، ریحان دارد به بغل
امشب دریای معرفت، مرجان دارد به بغل
امشب جان همه جهان، جانان دارد به بغل
عصمت سرمد یا زهرا، هستی احمد یا زهرا
جان محمد یا زهرا، روح مجرد یا زهرا
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک
ای رخسار خدائیت قرآن ختم رسل
ای روح آسمانیت ریحان ختم رسل
قدر و تطهیر و کوثر و فرقان ختم رسل
مادر قرآن یا زهرا، همسر یاور یا زهرا
محور قرآن یا زهرا، همسر قرآن یا زهرا
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

ای غرقه بوسه نبی دست و پیشانی تو
دُر لبخند مصطفی بادا ارزانی تو
ای عرش و فرش کبریا بزم مهمانی تو
دل برده از رسول حق روی نورانی تو
خاتون روز محشری بر کل شیعه مادری
بانوی عالم یا زهرا، مادر آدم یا زهرا
نیر اعظم یا زهرا، جان مجسم یا زهرا
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک
یا زهرا یا زهرا، میلادت مبارک



عقل کل بابا شد امشب
چون گل از هم وا شد امشب
هم ابوالکوثر شد امشب
هم ابوالزهره شد امشب
یا نبی امّ ابیهایت مبارک
یا علی میلاد زهرایت مبارک
این همان امّ ابیهایست
قلب یاسین، روح طاهاست
از لب جانبخش احمد
مدح او روحی فداهاست
یا نبی امّ ابیهایت مبارک
یا علی میلاد زهرایت مبارک
آسمان اختر فشانش
سوره کوثر به شانش
ذات حق در باغ جنت

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

داده بر آدم نشانش

یا نبی امّ ابیہایت مبارک

یا علی میلاد زہرایت مبارک

ای خدیجہ ای خدیجہ

از محمد دلبری کن

خیز و بر امّ ابیہا

مادری کن مادری کن

یا نبی امّ ابیہایت مبارک

یا علی میلاد زہرایت مبارک

مصطفی را دختر است این

مرتضی را یاور است این

از همه مردان عالم

بہتر است این بہتر است این

یا نبی امّ ابیہایت مبارک

یا علی میلاد زہرایت مبارک

این ز سر تا پا تمام

رحمۃ للعالمین است

در جلالت ہم محمد

ہم امیر المؤمنین است

یا نبی امّ ابیہایت مبارک

یا علی میلاد زہرایت مبارک

ای رسولان الہی

دختر پیغمبر آمد

ای همه سادات عالم

مادر آمد مادر آمد

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

یا نبی امّ ابیہایت مبارک

یا علی میلاد زہرایت مبارک



ام ابیہا خوش آمدی

دختر طاہا خوش آمدی

کوثر و تطہیر و قدر و نور

حضرت زہرا خوش آمدی

ہستی احمد خوش آمدی

روح محمد خوش آمدی

دار و ندار پیمبری

کعبہ امید حیدری

راضیہ، مرضیہ، فاطمہ

طاہرہ‌ای و مطہری

ہستی احمد خوش آمدی

روح محمد خوش آمدی

معنی و مصداق کوثری

آینہ حُسن داوری

بہتر و برتر ز سارہ و

مریم و حوا و ہاجری

ہستی احمد خوش آمدی

روح محمد خوش آمدی

امّ کتاب محمدی

کوثر ناب محمدی

اصل ہمہ آیہ‌های نور

فصل خطاب محمدی

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

هستی احمد خوش آمدی

روح محمد خوش آمدی

ای همه عالم گدای تو

گفته محمد فدای تو

خوانده برای پیمبرش

ذات الهی ثنای تو

هستی احمد خوش آمدی

روح محمد خوش آمدی



به حریم اولیا ، رسیده جانان همه

به دوچشم مصطفی ، دمیده نور فاطمه

به نبی آمده دختر ، به علی آمده همسر ، ز خدا آمده کوثر

{گل طه یا فاطمه ۳} ۲

نه عجب باشد اگر ، که امّ بابا میرسد

چه مصفا شد پدر ، که نور زهرا می رسد

همه عالم برای تو ، دل و جانم فدای تو ، بدهم سر به پای تو

{گل طه یا فاطمه ۳} ۲

به حریم مصطفی چوگشته جاری کوثری

که برای مرتضی ، رسیده امشب همسری

تو بیا ای گل طه ، که شده منتظر مولا ، تو بیایی زره زهرا

{گل طه یا فاطمه ۳}

ستاره امشب مهمون زمینه داره با لبخند گل یاس و می بینه

اومده امشب اونیکه بهترینه (تو عالمین) ۲

بادا مبارک به همه روز مادر رسیده از راه نوگل پیمبر

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

آرام جان و بود و نبود حیدر (ام الحسین) ۲

شده مکه پر از عطر سیب باغ بهشت
شد نبی صاحب دختری از جنس بهشت
می خوام امشب جار بزنم (کرمت و عشق) ۲
یه روزی فریاد می زنم (حرمت و عشق) ۲
ام ابیها مددی (یا زهرا مددی) ۲ مادر مادر
وقتی ستاره نور یاس و می بینم سرش رو زیر پاهای اون می گیره
میگه که باید دیگه پرده بگیره (تو عالمین) ۲
خدیجه امشب برا تو دلبر اومد ز یاری حق برا تو کوثر اومد
اونکه شبیهش دیگه وجود نیومد (ام الحسین) ۲
عمریه کار دل در خورش نوکریه
این دلم زائر حرم و صحن خاکیه
دست ما و عیدیه تو (کرمت و عشقه) ۲
یه روزی فریاد می زنم (حرمت و عشق) ۲
ام ابیها مددی (یا زهرا مددی) ۲ مادر مادر

تت

(سرود میلاد حضرت زهرا(س)
امشب از شادی تو دل غوغاست

شب شب پاک و خجسته و والاست

بر لب هستی سرود یا زهراست شب میلاد کوثر قرآن مادر هستی بضعه طاهاست

بسته بر وجود اون کل حیاته شب شب نزول خیر وبرکاته

زهرا زهرا زهرا یا زهرا

جلوه ذات خدای بی همتاست

چون خدای خود یگانه و یکتاست

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

قره العین خدیجه کبراست بهترین اسوه برترین الگو تو همه دنیا برای زنهاست
فخر کند خدا به قامت نمازش
مکه شده روشن زپرتو نگاهش
زهرا زهرا زهرا یا زهرا
در بغل دارد خدیجه مه پاره
محو سیمایش به گرد گهواره
هاجرو حوا و مریم و ساره بر گل رویش شخص پیغمبر تا سحر گاهان هزارهزار بوسه می کاره
شام غم و محنت پیغمبر سحرشد
ریحانه باغ رسالت جلوه گر شد
زهرا زهرا زهرا یا زهرا

(سرود ولادت حضرت زهرا(س))

شادی دل پیمیره میلاد زهراست
روز زن و روز مادری میلاد زهراست
آروم ندارم چون ابر بهارم
قلبم رو مادر من هدیه میارم
کام آسمونیا رو خدا از عسل گرفته
دختر مثل گلش رو نیی تو بغل گرفته
اومده دختر احمد
روح در پیکر احمد
نه بگو مادر احمد

دست نبی دست گل میلاد زهراست
وقت خوش توسله میلاد زهراست
حیدر مبارک پیغمبر مبارک
این روز مادر بر مادر مبارک
تموم بهشت و امشب بوته های یاس می کارن

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

رو گل یاس پیمبر نام زهرا رو می زارن

ببینید نور جلی رو

نور پاک ازلی رو

گل لبخند علی رو

شاعر مجید احدزاده

دریافت سبک

(سرود ولادت حضرت زهرا(س)

بیا و سکوت قلبتو بشکون

هر کی دردی داره اومده درمون

هر چی داریم بدیم به جاش بگیریم

یه شاخه گل برای مادرامون

دختر طاهاطاها رسیده

همسر مولا مولا رسیده

حضرت زهرا زهرا رسیده

یا زهرا

مادر حسین و حسن رسیده

سیزی گلشن و چمن رسیده

علی هدیه برا زهرا گرفته

روز مادر و روز زن رسیده

نفس حیدر حیدر رسیده

آسمون اختر اختر رسیده

که روز مادر مادر رسیده

یا زهرا

یه سیب بهشتی میاره طاها

گل بوسه به روش می کاره طاها

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

تا گنجهکارا از آتیش رها شن
اسمشو فاطمه می زاره طاهها
موجای دریا دریا دل بی قرارن
یه سبد یاس از بالا بالا می یارن
اسمشو زهرا زهرا زهرا می زارن
یازهرا

شاعر مجید احدزاده

دریافت سبک

(سرود ولادت حضرت زهرا (س)

قبله ی حاحات یا فاطمه

مادر سادات یا فاطمه

یه دنیا می خوامت از خودم بیشتر

دوست دارم مادر دوست دارم مادر

نوای قلم نوای زهراست

هر چی دارم از دعای زهراست

زندگیمو مندیون حسینم

که اونم از بچه های زهراست

مادر روزت مبارک مادر

یا فاطمه

ماه عالمتاب یا فاطمه

مادر ارباب یا فاطمه

یه تاج گل هستی- نشستی رو هر سر

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

دوست دارم مادر - دوست دارم مادر

محبتت از نگاتنه معلوم

بایک اشاره ت دل می شه آروم

چیزی نمی خوام غیر یه حاجت

کرب و بلامو سیده خانوم

مادر روزت مبارک

یافاطمه

زهره زهرا یافاطمه

هم کفو مولا یا فاطمه

آرامش طاها - دلخوشی حیدر

دوست دارم مادر دوست دارم مادر

ای ضربان قلب امیرم

بزار برای شما بمیرم

چادرتو رو سرم بکش که

پیش تو مادر آروم بگیرم

مادر روزت مبارک

یا فاطمه

شاعر : مجید احدزاده

دریافت سبک

(سرود ولادت حضرت زهرا(س)

زمین و اسمون غوغاست

میلاد ام ابیهاست

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

به پا شد قبله حاجات - رسیده مادر سادات - شب زهراست ۲

ولادته - خورشید ولایت - موقع زیارت یازها

شرافته - چشمه کرامته - بارون عنایت یازها

مددی فاطمه مادر دو دنیانی - هم طراز مولانی - زهره نی و زهرا ۲ زهرانی

نزول آیه عصمت

صعود فروغ عفت

به زیر چادر خانوم - نشسته هر دلی آروم - مئه جنت

به پای تو - زندگیم فدای تو - می میرم برای تو یازها

در بر تو - پدر و همسر تو - دختر و پسر تو یازها

مددی فاطمه مادر دو دنیانی - هم طراز مولانی - زهره نی و زهرا ۲ زهرانی

می رم با پای تخیل

مدینه برا تو سل

می افتم به پای مادر - می گیرم برای مادر - یه شاخه گل

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

مروهونتم - به خدا ممنونتم - هستی مو مدیونتم یازهررا

مهربونی - منو ای آسمونی - کربلا می رسونی یازهررا

مددی فاطمه مادر دو دنیایی - هم طراز مولایی - زهره نی و زهره ۲ زهرانی

مجید احدزاده : شاعر

دریافت سبک

(سرود ولادت حضرت زهرا(س)

عطر گل پیچیده تو کل دنیا

نوشتند یا زهرا تو آسمونا

خبر رسیده

کوثر قرآن اومده

سید زنان اومده

جشن کوثره - روز مادره

مادر به جهان اومده

ای گل طاها یا زهرا

بگو یافاطمه با شور و احساس

عیدی تو بگیر از حضرت عباس

چرا نشستی

ببر بالا تو صداتو

بیار بالا این دستاتو

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

یه زهرا بگو - بگیر از دست او

برات کربلاتو

ای گل طاهما یازهرا

شاعر : مجید احلزاده

دریافت سبک

(سرود میلاد حضرت زهرا(س)

شب شب مسعود میلاد کوثره

دل تو دلا نیست که روز مادریه

دلا از غم آزاده - خونه دل آباده

روی لبها فریاده - فاطمه - فاطمه

بند دلا گره خورده با فاطمه

نفس نفس بگو امشب یا فاطمه

آسمون داریه می خنده - راه غصه رو می بنده

فاطمه - نقش رو هر سر بنده - فاطمه

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

شاعر : مجيد احمدزاده

دريافت سبک

(سرود ولادت حضرت زهرا(س)

غم رفت و هنگام شادي اومد

بيستم ماه جمادي اومد

ميلاد بضعه پيغمبر شد

شب سرور دل حيدر شد

خير اومد كه روز مادر شد

فاطمه فاطمه زهرا زهرا

نديده چشم دنيا مثالش

نيومده حتي تو خيالش

بارونه رحمت حق مي باره

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

ڪوٺر و تو بغلش مي ياره

بوته ياس و تو دل مي ڪاره

فاطمه فاطمه زهرا زهرا

شاعر : مجيد احدزاده

pdfMachine

Is a pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!